



اندیشه‌های بزرگترین

مجموعه مقالات - آذر ماه ۱۳۹۵



# جایگاه سوریه در سیاست خارجی مصر؛ ثابت یا متغیر؟





مجموعه مقالات

جایگاه سوریه در سیاست خارجی مصر: ثابت یا متغیر؟

کاری از اندیشکده راهبردی تبیین

وبسایت اندیشکده: [www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، خیابان نسترن، پلاک ۳۲

کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱

تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹

نمابر: ۲۶۱۵۳۳۲۹

هرچه زمان می‌گذرد، ژنرال عبدالفتاح السیسی مواضع هم‌سوتی با دولت و ارتش سوریه اتخاذ می‌کند و این برای مصر به معنای دوری از عربستان است. البته صرفاً در یک پرونده منطقه‌ای. مصر به قطع‌نامه روسیه در سازمان ملل متحد نظر مثبت داد، از سیاست سقوط اسد حمایت نمی‌کند و حالا هم خبری منتشر شده مبنی بر اعزام برخی از نیروهای مصری به سوریه. این خبر البته هم‌چنان با تردیدهایی روبروست. برخی بر این باورند که السیسی در حال نقش بازی کردن است تا بتواند زمینه را برای دریافت کمک‌های مالی بیشتر از ریاض فراهم سازد. اما فرضیه این مقاله بر این است که این‌گونه نیست و از قضا، سوریه جایگاه رفیعی در معادلات مصر دارد که در عرصه راهبرد، با دلارهای نفتی عربستان قابل خرید نیست. آن‌چه در ادامه می‌آید در پی اثبات این فرضیه است.

## ۱. نگاهی تاریخی به روابط مصر و سوریه

درک الزامات، شاخص‌ها و روندهای سیاست خارجی مصر در قبال بحران سوریه، بدون داشتن فهمی تاریخی از روابط دو کشور، به‌نظر به جایی نخواهد برد. واقع آن‌چه باعث شده تا اکنون عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر در عین هم‌سوئی کلان با عربستان، از تطبیق مواضعش با ریاض در قبال بحران سوریه پرهیز کند، ریشه در تاریخ روابط دو کشور و ذهنیت نخبگان سیاسی مصر در پیوند امنیت و منافع دو کشور دارد؛ چیزی که باعث شد حتی محمد مرسی اخوانی هم در بخشی از دوران ریاست جمهوری‌اش، در عین پیوند گفتمانی با اخوان المسلمین سوریه، خود را مقید به پیگیری سیاستی متفاوت از ریاض نماید. لذا در ادامه زمینه‌های تاریخی روابط دو کشور و معانی‌ای که از این روابط در شرایط کنونی قابل استنباط است، تشریح می‌شود.

مهم‌ترین رخداد در تاریخ معاصر روابط دو کشور مصر و سوریه، اتحاد دو کشور تحت عنوان «جمهوری متحده عربی» است که در سال ۱۹۵۸ به امضای جمال عبدالناصر و شکری القوتلی به عنوان روسای جمهور مصر و سوریه صورت گرفت. سوری‌ها در آن سال، عملاً پذیرفتند که قاهره پایتخت و ناصر رئیس‌جمهور این جمهوری تازه تاسیس باشد. حتی پارلمان‌های دو کشور هم تحت نام «مجلس امت» درهم ادغام شدند. اما به دلیل تصنعی بودن این اتحاد، رویکردهای انحصارگرایانه ناصر و ارتش مصر در توزیع مناصب قدرت و مواردی از این دست، جمهوری متحده عربی نتوانست الگویی از یک اتحاد مبتنی بر هویت عربی را عرضه کند. منحل شدن تمام احزاب عملاً زمینه نارضایتی حزب بعث سوریه را فراهم ساخت. [۱] با خروج سوریه از جمهوری متحده عربی در سال ۱۹۶۱ و قدرت‌گیری حزب بعث، اگرچه رابطه مصر و سوریه دچار تنش‌هایی شد اما با قدرت‌یابی حافظ اسد، معادلات تغییر کرد. گفتمان مشترک در عرب‌گرایی و چپ‌گرایی و از همه مهم‌تر، دشمنی با رژیم صهیونیستی، زمینه نزدیکی هرچه بیشتر اسد و ناصر را فراهم ساخت. اوج این هم‌سویی را می‌توان در سال ۱۹۶۷ دانست. در این سال، ناصر و اسد و برخی از سران دیگر کشورهای عربی، طرح مقابله با رژیم صهیونیستی را در دستور کار داشتند که البته در نهایت با شکست سختی مواجه شده و مصر، صحرای سینا و سوریه، بلندی‌های جولان را از دست داد.

باروی کارآمدن سادات پس از ناصر، اگرچه چپ‌گرایی که بخشی از حوزه اشتراکی ناصر و اسد بود، از میان رفت اما سادات با شعار مبارزه با دشمن صهیونیستی، طرحی را با اسد سامان داد که مبنای جنگ ۱۹۷۳ شد. در نهایت سادات با خیانت به اسد در میانه جنگ، روند پیش‌روی‌های ارتش مصر را متوقف کرد تا صحرای سینا را در مذاکره و نه در میدان جنگ بازپس گیرد. این اقدام سادات، موجب افزایش فشار ارتش رژیم صهیونیستی به ارتش بعثی سوریه شد تا جولان هم‌چنان در اشغال رژیم صهیونیستی بماند. چند سال بعدتر، سوریه نسبت به قرارداد کمپ دیوید و به رسمیت شناخته شدن

رژیم صهیونیستی از سوی مصر، واکنش سختی نشان داد. با ریاست جمهوری حسنی مبارک در مصر، در کنار موضوعاتی چون فلسطین، مساله جنگ تحمیلی عراق به ایران هم در معادلات دو کشور وارد شد. مصر در صف حامیان عراق بود و سوریه حامی ایران. اما این موارد باعث نشد تا در سال‌های بعد، روابط دمشق و قاهره بحرانی باشد. از قضا هماهنگی میان مبارک و حافظ اسد، سطح بالایی داشت. عمرو موسی که سال‌ها وزیر خارجه مبارک بود، در این خصوص به الحیات گفته است: «روابط مبتنی بر هماهنگی مطلوب و کافی میان دو طرف بود، هر دو طرف از هر دو ناحیه امور را با همدیگر به طور مستمر هماهنگ می‌کردند.» البته او سپس توضیح می‌دهد که با روی کار آمدن بشار اسد و به خصوص در ماجرای ترور رفیق حریری، این هماهنگی‌ها کمی دچار خدشه شد. [۲] با این وجود سوریه برای مصر، یک بازیگر مهم عربی تلقی می‌شد که مشروعیت نیز داشت. طبیعی است که رقابت‌ها نیز پابرجا باشد.

در تمام این سال‌ها، یک اشتراک داخلی نیز میان دو دولت مصر و سوریه وجود داشت و آن مساله اخوان المسلمین بود. همان قدر که ناصر، سادات و مبارک با کیفیت‌های متفاوت، با اخوانی‌ها دچار تنش بودند، در سوریه حافظ اسد و اخوان المسلمین این کشور که تندخوتر از اخوان مصر بود، مبارزه مسلحانه را پیش گرفته بودند. در تمام این سال‌ها، قدرت‌گیری اخوان در یک کشور، می‌توانست امنیت کشور دیگر را هم تحت تاثیر قرار دهد. طبیعی است که در چنین شرایطی، بشار اسد که پس از پدرش حافظ رئیس جمهور مصر شده بود، به هیچ وجه از پیروزی مرسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر خوشحال نباشد. جمله‌ی او در فردای سقوط مرسی در سال ۲۰۱۳ مبنی بر این که نتیجه محتوم اسلام‌گرایی سرانجام این چنین است [۳] در همین چارچوب قابل تحلیل است به خصوص که در این سال، بحران سوریه در اوج بود و اخوانی‌های سوریه سلاح به دست در مقابل ارتش ایستاده بودند.

فهم تاریخی روابط دو کشور مصر و سوریه، بیان‌گر پیوندهای هویتی و امنیتی این دواست. واقعیت این است که هرگونه تغییر شگرف و پایداری در نظم یکی از این دو، می‌تواند امنیت، تمامیت ارضی و منافع دیگری را در معرض تهدید قرار دهد. با چنین چارچوبی می‌توان به بررسی سیر مواضع دولت مصر در قبال بحران سوریه پرداخت.

## ۲. مصر و بحران سوریه

برای فهم دقیق‌تر مواضع مصر در قبال بحران سوریه، نیاز است تا علاوه بر مواضع عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور کنونی مصر، مواضع و رویکردهای محمد مرسی رئیس‌جمهور سابق این کشور را نیز مورد توجه قرار داد. با وجود برخی اختلاف نظرهای میان این دو در قبال بحران سوریه، اما رویکردهای مشترکی نیز قابل احصا است که نشان از ریشه‌ای بودن مساله سوریه در سیاست خارجی مصر دارد.

### ۲-۱. سیاست مرسی در قبال بحران سوریه

واقعیت این است که سیاست خارجی مرسی، رئیس‌جمهور اخوانی مصر برخلاف تصورات رایج که عموماً ژورنالیستی است، ضمن تضاد با سیاست‌های اعلانی و اعمالی عربستان در تمام این سال‌های بحرانی، اگرچه با ایران تطبیق کامل نداشت اما در برخی حوزه‌ها نزدیکی‌هایی نیز داشت.

هویت اخوانی مرسی جز در چند هفته آخر ریاست جمهوری او، نقش پررنگی در مواضعش در قبال بحران سوریه نداشت. اگر هویت اخوانی محور مواضع او می‌بود، مرسی باید رویکرد اخوانی‌های سوریه را تأیید می‌کرد که چیزی جز «اسقاط اسد» از طریق

مبارزه مسلحانه نبود و در یاری رساندن به آن‌ها می‌کوشید. اما مرسی بارها اعلام کرد که راه حل پایان بحران سوریه، سیاسی است و این در حالی بود که او تحت فشار برخی دولت‌های عرب برای دمیدن بر آتش مسلحانه علیه اسد در سوریه بود.

برجسته‌ترین اقدام مرسی که موجب خشم عربستان شد، تشکیل کمیته چهارجانبه با حضور مصر، ایران، ترکیه و عربستان بود. [۴] فارغ از این که عدم دعوت از قطر به عنوان یک مدعی در این کمیته، موجب نارضایتی دوحه گردید، این اقدام مرسی عملاً موجب ورود ایران به یک تلاش جمعی برای یافتن راهکار سیاسی جهت پایان بحران سوریه شد. این در حالی بود که عربستان سعی داشت ایران را به عنوان حامی اسد و بخشی از مشکل سوریه معرفی کند و نه یک طرف موثر در یافتن راه حل. این کمیته البته موفق نبود. عربستان با کم‌توجهی به این کمیته سعی کرد تا آن را از مسیر اثرگذاری خارج سازد. با این وجود یکی از مهم‌ترین مزیت‌های کمیته چهارجانبه این بود که زمینه را برای حضور مقامات ایرانی در قاهره فراهم آورد. این امر زمینه نزدیکی بیشتر تهران و قاهره را فراهم ساخت.

اقدام دیگر مرسی که در فضای ضدِ سورِی جهان عرب، بسیار معنادار تلقی شد، اعزام کاردار به دمشق در اواسط اردیبهشت ۹۲ بود. این اقدام در حالی از سوی مرسی صورت گرفت که اتحادیه عرب کرسی سوریه را در اختیار معارضان قرار داده بود. مرسی با این اقدام، عملیات تصمیم اتحادیه عرب را مورد اعتنا قرار نداد.

اما حدود یک ماه زمان لازم بود تا مرسی یکی از مهم‌ترین اشتباهات خود را مرتکب شود. او در ۲۵ خرداد ۹۲ در تجمع «حمایت از سوریه» در قاهره از قطع روابط مصر با دولت سوریه خبر داد و خواستار جهاد علیه بشار اسد، اجرای منطقه پرواز ممنوع در آسمان سوریه و خروج حزب الله از سوریه شد. اجرای منطقه پرواز ممنوع، یعنی تغییر راهکار مرسی برای حل بحران سوریه از فاز سیاسی به فاز نظامی. اما چرا مرسی این گونه

تغییر موضع داد؟ نمی‌توان از اثر همایش «مواضع علمای امت در قبال حوادث سوریه» که همان روزها در قاهره برپا شده بود چشم‌پوشی کرد. این علما که یوسف قرضاوی هم عضوی از آن‌ها بود، در ۲۳ خرداد یعنی دو روز قبل از تغییر موضع مرسی با او دیدار داشتند. همه آن‌چه از آن جلسه رسانه‌ای شد، صرفاً سخنان مرسی بود؛ ضرورت تلاش برای پایان دادن رنج‌های مردم سوریه، حمایت از هر اقدامی که موجب متوقف کردن خون‌ریزی‌ها شود و حمایت از یکپارچگی ارضی سوریه. پس از تغییر موضع مرسی و اعلام جهاد علیه سوریه، عبدالفتاح السیسی فرمانده وقت ارتش روی صفحه تلویزیون ظاهر شد تا بگوید که ارتش در امور کشورهای دیگر مداخله نمی‌کند. چند روز بعدتر هم با اعتراضات مخالفان مرسی و سرانجام کودتای ارتش، مرسی از قدرت کنارزده شد. [۵]

## ۲-۲. سیاست السیسی در قبال بحران سوریه

واقعیت این است که اگر یک ماه آخر ریاست مرسی در نظر گرفته نشود، رویکرد السیسی به بحران سوریه با رویکرد مرسی تفاوت ماهوی و اساسی چشم‌گیری ندارد. هر دو قائل به راهکار سیاسی و حفظ تمامیت ارضی سوریه بودند. البته السیسی به ماندن اسد در قدرت، راغب است در حالی که مرسی چنین نبود. روزنامه لبنانی الدیار اواخر شهریور ۹۴ نوشت در این خصوص نوشت: «عبدالفتاح السیسی اخیراً با علی مملوک رئیس دستگاه اطلاعات سوریه که به قاهره سفر کرده بود، دیدار کرده است.» براساس گزارش این روزنامه، السیسی در جریان دیدار خود با مملوک خطاب به وی گفته است: «از شما می‌خواهم پیام حمایت من از اسد را به وی برسانید؛ من بر این اعتقاد هستم که اسد سقوط نخواهد کرد.» [۶] علاوه بر این السیسی چندی بعد در مصاحبه با شبکه سی ان ان گفته بود که او دیگر فکر نمی‌کند که بشار اسد رئیس جمهوری سوریه باید از قدرت کنار برود. وی تاکید کرد که بشار اسد را می‌توان مدیریت کرد اما تروریست‌ها را نمی‌توان.

السیسی در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز درباره بحران سوریه گفته بود که «ما بسیار خواهان و مایل هستیم که سوریه به عنوان یک کشور و دولت باقی بماند و به کشورها و دولت‌های کوچکتر تقسیم نشود.» [۷]

اما چرا السیسی از تز یکپارچگی سوریه و حتی ماندگاری اسد در قدرت حمایت می‌کند؟ به نظر می‌رسد دلایل زیر در این خصوص قابل طرح هستند:

## ۲-۱-۲. مبارزه با تروریسم و جریان تکفیری

السیسی به علی مملوک گفته بود: «هر دو در مقابل تکفیری‌ها خواهیم ایستاد؛ سوریه و مصر در نبرد علیه دشمنان خود پیروز خواهند شد و جنگ سوریه به نفع دمشق پایان خواهد یافت.» واقعیت این است که السیسی سقوط اسد و قدرت‌گیری جریان تکفیری را تهدیدی بر امنیت ملی مصر تلقی می‌کند. در صورت وقوع چنین امری، سوریه پایگاهی خواهد شد برای قدرت‌گیری، سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی برای اجرای عملیات‌های تخریبی و تروریستی در مناطق دیگر. طبیعی است که مصر به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد از جمله سرکوب گسترده مهم‌ترین جریان اسلام‌گرایی سنی یعنی اخوان المسلمین توسط السیسی، یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای حملات تروریستی است. السیسی به خوبی می‌داند اگر مانع از قدرت‌گیری جریان تکفیری در سوریه نشود، در آینده‌ای نه چندان دور باید با جریان تکفیری در درون مصر مبارزه کند؛ کما این که اکنون نیز این مساله تاحدی رخ داده ولی در صورت سقوط اسد، می‌تواند ابعاد بیشتری یابد. همه این موارد زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که السیسی بارها سعی کرده تا خود را به نوعی رهبر مبارزه با تروریسم در میان کشورهای عربی معرفی کند. [۸]

## ۲-۲-۲. ایفای نقش منطقه‌ای متمایز از عربستان

یکی دیگر از اهدافی که السیسی از اتخاذ رویکرد حمایت‌ضمنی از اسد و محکوم کردن جریان تروریستی-تکفیری در سوریه به دنبال آن است، برعهده گرفتن نقشی متفاوت از عربستان در منطقه می‌باشد. واقعیت این است که السیسی از همان ابتدا تا کنون، با حمایت‌های گسترده سیاسی و اقتصادی عربستان توانسته در مقابل اعتراضات داخلی بایستد. کمک‌های مالی عربستان که تنها چند روز پس از سقوط مرسی، وعده‌اش از سوی پادشاه عربستان به قاهره داده شد از سویی و تروریست نامیدن اخوانی‌های معترض از سوی دیگر، زمینه تثبیت قدرت را در دستان السیسی فراهم ساخت. طبیعی بود که عربستان با وجود چنین حمایت‌هایی، انتظار داشته باشد تا السیسی مواضع او را در موضوعات مختلف منطقه‌ای تأیید کرده و باریاض همراهی کند. اما السیسی در بحران سوریه، تمایلی به چنین همراهی‌ای ندارد. او علاوه بر مساله مبارزه با تروریسم و ارتباط آن با امنیت ملی مصر، سعی می‌کند تا با اتخاذ مواضعی متفاوت از باریاض، زمینه بازیگری بیشتر در منطقه را فراهم سازد. السیسی با اتخاذ مواضع همسو با روسیه در بحران سوریه، می‌تواند از فرصت همراهی بایک بازیگر بین‌المللی در طراحی‌اش برای بازیابی نقش مصر در منطقه بهره‌برد. السیسی این روزها به موازنه بخشی در منطقه می‌اندیشد.

## ۳- جمع‌بندی

سوریه در سیاست خارجی مصر از جایگاه رفیعی برخوردار است. این امر به لحاظ تاریخی و هویتی قابل بررسی است. بر همین اساس، فهم روسای جمهور مصر از سوریه، اگرچه با وجود برخی مسائل و بحران‌ها و گرایش‌های شخصی، متفاوت بوده اما در یک چارچوب کلان قابل بررسی است. در بحران کنونی سوریه نیز مصر مواضعی اتخاذ کرده

است که نشان از فهم متفاوت آن با عربستان از بحران و جایگاه سوریه دارد. بر همین اساس می‌توان میان رفتار مرسی و السیسی که دو قطب مخالف یک‌دیگر هستند، اشتراکاتی در راهبرد مواجهه با بحران سوریه یافت. البته با این ملاحظه که مرسی در هفته‌های قبل از کودتای ۲۰۱۳، تحت تاثیر عواملی که از حوصله این مقاله خارج است، چرخشی آشکار از خود نشان داد. مرسی با طرح کمیته چهارجانبه برای حل بحران سوریه، سعی داشت تا این بحران را به عنوان مبنایی برای بازایی نقش منطقه‌ای مصر قرار دهد. السیسی نیز دقیقاً چنین تلقی‌ای دارد.

## منابع:

[۱]. برای مطالعه بیشتر در خصوص دلایل شکست اتحاد مصر و سوریه، نگاه کنید به؛ پیترو منسفیلد.

تاریخ خاورمیانه. ترجمه عبدالعلی اسپهبدی. نشر علمی و فرهنگی. ۱۳۸۸.

[۲]. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1915680>

[۳]. [http://www.bbc.com/persian/world/2013/07/130704\\_103\\_egypt\\_reax](http://www.bbc.com/persian/world/2013/07/130704_103_egypt_reax)

[۴]. اندیشکده راهبردی تبیین چندی قبل نشستی در خصوص نقش منطقه‌ای مصر جدید با حضور

آقای مجتبی امانی رئیس سابق دفتر حفاظت از منافع ایران در مصر برگزار کرد. در این نشست، کمیته چهارجانبه نیز مورد بررسی قرار گرفت:

<http://tabyincenter.ir/13395>

[۵]. سعید ساسانیان. «مصر روی دور تکرار تاریخ». مجله الکترونیکی اخوت. ۲۷ بهمن ۱۳۹۲:

<http://okhowah.com/fa/10095>

[۶]. <http://www.mehrnews.com/news/2915676>

[۷]. <http://www.farsnews.com/13940706001356>

[۸]. البته سیاسی بعضا از مبارزه با تروریسم برای تقویت حکومت به صورت ابزاری نیز بهره برده تا مخالفان داخلی را سرکوب کند. نگاه کنید به:

<http://tabyincenter.ir/11678>

Telegram WhatsApp Facebook Twitter Google+ SMS







هرچه زمان می‌گذرد، ژنرال عبدالفتاح السیسی مواضع هم‌سوتی  
با دولت و ارتش سوریه اتخاذ می‌کند و این برای مصر به معنای  
دوری از عربستان است.

اندر شبکه‌های اجتماعی

نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



[www.Tabyincenter.ir](http://www.Tabyincenter.ir)

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران: